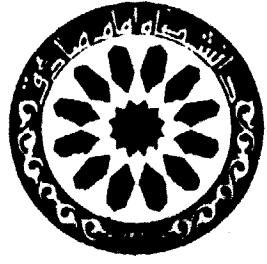


کتابخانه تخصصی فقه

شماره ثبت ۲۲۸
سخت ۴

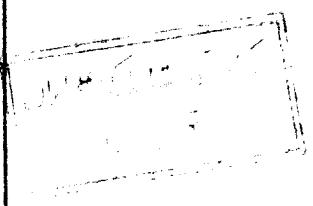


دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

قیام در مقابل حکومت ظلم (انقلاب)

از دیدگاه اسلام



۱۵ / ۲ / ۱۳۷۷

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما : جناب آقای حجة الاسلام والمسلمین عمید زنجانی

استاد مشاور : دکتر حسین بشیریه

نگارش از: محمدرضا حاتمی کد: ۶۲

تاریخ: دی ماه ۱۳۷۰

۱۴۵۳۱

۰۰۴۳۷۱

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی مسئول عقایدی که

نویسنده در این پایان نامه اظهار نموده است، نمی باشد.

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به دانشگاه امام صادق (ع) می باشد.

و هر نوع استفاده از کل یا بخشی از آن ماننا و اگذاری به دیگر

مؤسسات، چاپ و مانند آن منوط به اجازه کتبی از دانشگاه می باشد.

فهرست مطالب

۱	مقدمه :
۱۶	فصل اول : سیرتاریخی و روند تحولات پدیده انقلاب
۱۶	مقدمه :
۱۷	۱- دوران باستان
۲۴	۲- تئوری انقلاب در قرون وسطی
۳۰	۳- تئوری انقلاب در قرن ۱۹.
۴۲	۴- تحایل انقلاب از دیدگاه متفکرین معاصر
۵۷	۵- ویژگیها و حوه تما بزا انقلاب با سیر تحولات و خشونت های سیاسی مدنی
۶۹	فصل دوم : اسلام و انقلاب (انقلاب در تعریف و ارکان آن در اسلام)
۶۹	مقدمه :
۷۴	۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی انقلاب
۷۹	۲- مفهوم لغوی انقلاب در قرآن
۸۴	۳- تعاریف انقلاب اسلامی
۹۱	۴- عناصر متمیزه و ارکان انقلاب در اسلام
۹۱	الف - نوعی امر به معروف و نهی از منکر است
۹۴	ب - عمومی و مردمی است که در این خصوص سه وجه متصور است :
۹۷	- رابطه مردم با رهبری
۹۷	- رابطه مردم با مکتب
۱۰۰	- وحدت کلمه
۱۰۱	ج - آگاهی ، بینش و شعور با فتگی مردم
۱۰۳	د - تحول درونی و تفسیر اعتقادی و اخلاقی
۱۰۵	ه - جبری نبودن حرکت انقلاب
۱۰۷	و - مرحله ای بودن انقلاب
۱۰۷	- دعوت و نصیح و ارشاد
۱۱۰	- انقلاب فرهنگی
۱۱۱	- آماده باش و کادر سازی
۱۱۱	- هجرت
۱۱۲	

۱۱۳	- تقیه یا فعالیت محرمانه
۱۱۵	- قیام یا جهاد مسلحانه
۱۱۶	ز - احیاء سنن و معاریف الهی و اما ته بدعتها
۱۱۷	ح - رهبری عالم و عادل در راس انقلاب
۱۲۲	ط - معمولا خشونت آمیز است
۱۳۱	فصل سوم : امر به معروف و نهی از منکر (طرح فتاوی فقهای تشیع)
۱۴۱	مقدمه :
۱۳۶	۱- وجوب امر و نهی و مفهوم معروف و منکر
۱۴۷	۲- شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۱	۳- مراحل امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۱	- انکار به قلب
۱۷۳	- انکار به زبان
۱۷۴	- انکار به دست و ضرب و شتم و سل السیف
۱۸۰	فصل چهارم : مشروعیت انقلاب
۱۸۰	مقدمه :
۱۸۳	الف : دیدگاههای اهل تسنن
۱۸۳	۱- روایات و احادیث
۱۹۴	۲- فتاوی رهبران و ائمه اهل سنت
۲۰۱	۳- آراء و عقاید فرقه عامه
۲۰۱	
۲۰۲	- مرجئه
۲۰۴	- اشاعره
۲۰۵	- معتزله
	- خوارج

۲۰۷	۴- بررسی آراء و اندیشه‌های فقهای سیاسی تسنن
۲۰۷	مقدمه :
۲۱۰	عبدالله بن مقفع
۲۱۴	ابوعثمان عمرو بن جاحظ
۲۲۰	خواجسته نظام الملک
۲۲۵	باقلانی
۲۲۶	ابوحامد محمد غزالی
۲۳۴	ابوالعباس بن تیمیه
۲۴۵	محمد بن یوسف بن ابی ذر
۲۵۳	فضل الله روزبهان خنجی اصفهانی
۲۵۷	عبدالرحمن بن خلدون
۲۶۴	ابوالحسن علی ابن محمد بن حبیب ماوردی
۲۶۹	ابوبکر احمد بن علی الرازی الجصاص
۲۷۳	ابومحمد علی بن احمد بن حزم اندلسی
۲۸۶	ب : دیدگاه‌های اهل تشیع
۲۸۹	مقدمه :
۲۹۰	۱- روایات واخسبیار
۲۹۷	قسم اول
۳۰۴	قسم دوم
۳۰۸	قسم سوم
۳۱۶	قسم چهارم
۳۲۴	قسم پنجم
۳۳۶	قسم ششم
۳۳۷	۲- آراء فرق تشیع
۳۳۸	- زیدیه
۳۳۸	- اسماعیلیه
۳۴۲	- امامیه

۳۴۵	۳- آراء و اندیشه‌های فقهای شیعه
۳۴۸	فصل پنجم : ادله مشروعیت انقلاب
۳۴۸	مقدمه :
۳۵۰	الف- ادله اطاعت نبردن از حاکم ستمگرو جاثرا ز کتاب خدا و اخبار
۳۵۳	- شرط ضمن عقده بیعت
۳۵۳	ب- ادله جواز انقلاب و حق خروج علیه ز مداران جاثرا
۳۵۸	۱- کتاب خدا و آیات
۳۵۸	۲- ادله روایی بر مشروعیت و حق شورش و انقلاب
۳۶۷	۳- شواهد تاریخی و سیره‌ها میر و ائمه بر حق انقلاب
۳۷۸	- انقلاب مردمی علیه عثمان
۳۸۰	- انقلاب امام حسین (ع)
۳۸۲	- انقلاب زید
۳۸۴	- انقلاب حسین ابن علی صاحب فخر
۳۸۷	- خروج مردم مدینه علیه بنی امیه، توابعین، عبداللہ بن زبیر . . .
۳۸۹	۴- دلالت فطرت بر حق انقلاب
۳۹۷	۵- پاسخ به چند شبهه
۴۱۸	نتیجه گیری
	فهرست منابع

مقدمه

تجارب تاریخی و علمی در علوم اجتماعی، سیاسی نشان داده که دستیابی و وصول به یک نتیجه قطعی و خلل ناپذیر و فهم کامل و بی خدشه از روندها، جریانات، حقایق امور و مسایل مختلف فقهی و عقیدتی، بخصوص وقایع تاریخی، بسی مشکل و دشوار بوده است، اگرچه، پیوسته محققین، فقها و فلاسفه با تفحص و کاوش فراوان توانسته اند بخشی از حقایق را روشن نموده و به نتایج و موفقیت‌های موثری نیز دست یابند، لیکن آنجا که بحثی علمی و قابل استناد، مطرح می شود، غالب آنها اشعار می دارند که ارائه دقیق و کامل حقایق و وقایع بسادگی میسر نیست. لذا آنچه به صورت مقاله، کتاب و خطابه ایراد می شود، نتایجی مطلق و ثابت نبوده، تنها وسیله‌ای برای تقریب به اهداف و دریچه‌ای فراسوی انسان جهت نیل به امور غیر مکشوفه است.

مقاله حاضر نیز تا میزخا صی بر دیگر تحقیقات مدون و رسالات علمی، نداشته، احتمالاً معایب و نواقصی را به همراه خواهد داشت که امید می رود با راهنمایی و توصیه‌های ساتید محترم، اصلاح شده‌گامی در جهت پژوهش و تدوین مسائل اسلام بخصوص ارائه تئوری انقلاب در اسلام برداشته باشد.

علل انتخاب موضوع :

دیدگاه‌های بسیار و بعضاً متفاوت در زمینه پیدایش انقلاب و توسعه و تکامل مباحث تئوریک آن توسط دانشمندان و متفکرین غرب و شرق از مصریان قدیم و فلاسفه یونان باستان چون افلاطون و ارسطو گرفته تا نظریه پردازان پیشین از انقلاب انگلستان و فرانسه همچون هابز، روسو، برک و لاک، هامیلیتون و هرینگتون و نیز اندیشمندان و تئوریسین‌هایی نظیر مارکس و لنین یا آرنست و ماکزوزه، ابراز شده است، بی شک هریک نیز در اثبات تئوریک که از انقلاب و نهضت‌های آزاییبخش ارائه داده‌اند،

آثار و نوشتجات مدونی را به رشته تحریر درآورده اند.

اساتید محترم درس تئوریهای انقلاب تاکنون، در تالیفات و مباحث کلاسیک خود صرفاً به تبیین و تفسیر دیدگاههای مطرحه اکتفاء نموده در آموزش و تفهیم آن نهایت تلاش و مساعی خود را مبذول داشته اند لیکن بحثی تئوریک در خصوص پدیده انقلاب و جایگاه آن در مکتب اسلام بخصوص مذهب تشیع به روش کلاسیک و علمی مطرح نکرده اند در حالیکه دیدگاه اسلام راجع به انقلاب بسیار دقیق و قابل اعتنا بوده، مدلول بخشهای از فقه و تاریخ و عقاید اسلام حکایت از وجود چنین پدیده‌ای در متن اصول و بنیادهای آن می‌نماید.

هر چند در تاریخ عقاید سیاسی و روندها تحولات گذشته، تعبیری یکسان، جامع و مانع از انقلاب ارائه نشده و فرا ترازان لفظی واحد بر این همه معانی و توصیفات اطلاق نیافته است، ولی تعمق و کاوش در کتاب، سنت و اصول فقه اسلام نه تنها تعریفی منضبط و دقیق از این پدیده به مفهوم سیاسی اجتماعی آن به دست خواهد داد، بلکه وجوب، حرمت، ارکان، عناصر و مراحل و مدارج آن را نیز در پروسه تکاملیش، مشخص و معین خواهد نمود.

طبعاً عنوان نیافتن این مبحث در تئوریهای انقلاب ریشه در کمبود و نقصان تحقیقات مدون و تالیفات کلاسیک در همین خصوص داشته، که نگاه رنده با توجه به برداشته‌ها و تحلیلهای ارائه شده در رابطه با انقلاب و مراحل تکوین آن تلاش می‌نماید جنبه‌هایی از دیدگاه اسلام راجع به این پدیده را مطرح و مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

آنچه گرایش نویسنده را در پژوهش پیرامون چنین موضوعی تشدید می‌نماید، تهمت‌های ناروایی است که مستشرقین و نویسندگان غیر

مسلمان به اسلام وارد ساخته، آن را وسیله‌ای موثر برای تخدیر نیروهای انقلابی، استثمار مردم و توجه استبداد و ستمگری سلاطین خودسر جلوه داده‌اند. توماس آرنولد می‌نویسد: «خلافتی که مورد قبول و شناسائی قرار گرفته، نوعی از حکومت استبدادی و ظالمانه است که خلیفه از اختیارات نامحدود و سلطه مطلقه برخوردار می‌باشد. در این گونه حکومت، وظیفه مردم صرفاً اطاعت محض است. «مرجلیوث اظهار می‌دارد: «پادشاهی که به سلطنت نشست، هر نوعی که باشد و هر کاری که بکند، دیگر برای تسویه مسلمان هیچ حقی در اعتراض و ضدیت با پادشاه خود نیست. مک‌دونالد نیز می‌گوید: «در هر حال نمی‌توان خلیفه را یک حکمران مشروطه خواند، آن معنایی که از مشروطه و قانون اساسی می‌شناسیم.» (۱)

مکتب الحادی ما رکسیسم نیز از دین به عنوان افیون ملت‌ها یاد کرده و در یک کلمه شرایع آسمانی را به مثابه زنجیری گران برپای تکاپوی همه، خدا باوران می‌داند. در بیانیه اتحادیه جماهیر شوروی آمده است: «اسلام به ما نندد دیگر ادیان همیشه سیر ارتجاعی را طی کرده است و همیشه وسیله‌ای در دست طبقات ارتجاعی استعمارگر برای مکیدن خون طبقات کارگری بوده است. و نیز برای استعمارگران بیگانه وسیله‌ای جهت به بند کشیدن ملل شرق بوده است. سنت و قرآن هر دو نظام طبقاتی و استعمارگری را موجه می‌شمارند.» (۲)

۱- محمدیوسف موسی، نظام الحکم فی الاسلام، ص ۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴، دکتر رشیدی علیان، الاسلام و الخلافة الطیبه التانیه، ریاض، دار الرشید للنشر والتوزیع، ۱۴۰۱ ه. ق. صفحات ۷۳ و ۷۴.

۲- بیانیه اتحادیه جماهیر شوروی، فصل ۱۲- ص ۶۱۵ و ۶۱۶، به نقل از فتحی بیکن، اسلام آئین اندیشه، حرکت و انقلاب، ترجمه دکتر علی قاسمی، (قم، انتشارات پیام آزادی، بی تا) ص ۱۰

آه و حسرت که بر دل مسلمان مبارز و انقلابی می نشیند، فتا و آراء فقهی غالب رهبران و فقهای سیاسی اهل سنت است که مشروعیت امارت و سلطنت زمامداران ستمگر را تا بی‌دوبه طرفداری از حفظ وضع موجود پرداخته‌اند. این عده نه تنها به حرمت قیام و انقلاب مسلحانه مردمی علیه امیران جا نرفتو داده‌اند، بلکه اطاعت و انقیاد از آنها را واجب اعلام داشته و به سکوت و سکون در قبایل تحریفات و منکرات آنها امر نموده‌اند. بی تردید چنین فتاوی و اندیشه‌هایی مایه‌های ذهنی و منابع مستند برای متفکرین و نویسندگان غربی در تالیفات و نوشتجات آنها بوده است. مسلمانان صدور چنین آرائی، انگیزه‌های بحث و تحقیق را در ذهن پویندگان و محققین پرورش خواهد داد.

علامه امینی نخست تعدادی از اخبار و احادیث اهل سنت را نقل می نماید که بر تحریم انقلاب مردمی و قیام مسلحانه اشعار دارد. سپس می نویسد: « واذا بهذه الاحادیث قال الجمهور بعدم العزل الامام الفاسق » با عنایت و ترجمه به چنین احادیثی بود که جمهور تسنن به عدم عزل و خلع امام فاسق نظر داده است.

ابن جوزی در المناقب می نویسد: « لقد صرح الامام احمد بوجوب الصبر عند الجور ونهی عن الخروج والائتمار نهیا صریحا - ولذا روی عنه انه قال: الصبر تحت لواء السلطان علی ما کان منه من عدل او جور ولا یخرج علی الامراء بالسیف وان جا روا »^(۱) امام احمد به تصریح گفته است بر جور و ستم حاکم باید صبر نمود و از خروج و توطئه جینی علیه پادشاه صراحتا نهی کرده است. ولذا از او روایت شده است که گفت: صبر و شکیبائی زیر سلطه و حکومت سلطان جا نریا عادل واجب است. و اگر چه

۱- ابن جوزی، المناقب، ص ۷۶.

زمانه مداران جور و ستم پیشه نمایند، کسی حق خروج و قیام علیه آنان را نخواهد داشت.

محمدابوزهره می نویسد: هذا هو المنقول عن ائمه اهل، مالک و الشافعی و احمد و هو المشهور. (۱)

خبر فوق از پیشوایان اهل سنت، مالک و شافعی و احمد نقل شده است که شهرت روایی دارد. زرقانی نیز در شرح موطاء مالک رای جمهور اهل سنت، مالک را چنین نقل می کند:

ان رای الامام مالک و رای جمهور اهل السنه انه اذا ظلم الامام فالطاعة اولی من الخروج. (۲)

رای امام مالک و جمهور اهل سنت بر این است که اگر امام و پیشوای به ظلم و ستمگری پرداخت اطاعت اطاعت و فرمانبری بهتر از خروج و طغیان است.

حافظ محی الدین نووی شافعی در شرح صحیح مسلم ذیل احادیث و روایاتی که دال بر تحریم انقلاب است اظهار می دارد:

اگر عمل مکروه و منکری را از حکام مشاهده نمودید، کراهت ورزیده، سخن حق نگوئید. لیکن به اجماع و اتفاق مسلمین، قیام و خروج بر سلاطین و قتال با آنان امری محرم شمرده می شود، هر چند زمانه را نمی ستمگر، فاسق و ظالم باشند، جماهیر اهل سنت از فقهاء محدثین و متکلمین همه بر این قولند که امام و سلطان با فسق و تبهکاری و ظلم و تعطیل حقوق از منصب خود منعزل و خلع نمی شود و خروج نیز علیه او جایز نبوده بلکه واجب است او را موعظه و تخویف نمایند. (۳)

- ۱- محمدابوزهره، المذاهب الاسلامیه (مصر، قاهره، وزارت فرهنگ) ص ۱۵۵
- ۲- زرقانی، شرح الموطاء، ج ۲، ص ۲۹۲
- ۳- حافظ محی الدین نوودی، شرح صحیح مسلم به ما مش ارشاد الساری، ج ۸، ص ۳۶.

با چنین برداشت و بینشی که فقهاء رهبران و صاحب نویسندگان اهل تسنن از خلافت، حکومت و رهبری اسلامی، بدست داده اند، در نگاه اول، تالیفات و گفته‌های اسلام شناسان غربی و نیز مارکسیست‌ها که اسلام را مذهبی مناسب برای توجیه سلطنت زمامداران جائروا بزاری قوی برای تخدیر نیروها و بند کشیدن توده‌های محروم، معرفی نموده اند چندان مغرزانه و ناوران نبوده است.

طرح موضوع :

نگارنده با توجه به شناخت و آشنائی خود، از متون فقهی و تاریخی و عقاید اسلام و نیز برداشت ذهنی از تئوریهای انقلاب در غرب، به تحقیق و تدوین موضوع و طرح آن پرداخته است که در یک مقدمه و پنج فصل، و نیز نتیجه گیری بحث ارائه خواهد شد.

نوشتار حاضر، بحث و بررسی پیرامون مشروعیت انقلاب اسلامی را که شامل توجهات و استدلالهای علما و سران اهل سنت مبنی بر تحریم انقلاب و وجوب سکوت و سکون مردم در قبال سلاطین جور و ظلم، و نیز ادله و براهین و فتاوی فقهای شیعه که بر جواز و احیاناً وجوب انقلاب علییه زمامداران ستمگر و خودرای، دلالت می نماید، را مورد بحث و کنکاش قرار می دهد. متذکر می شود که دیدگاههای متفکرین غربی در این خصوص مطمح نظر نبوده، هر چند اجمالاً و به اختصار اشاره ای به اندیشه های برخی از متفکرین آنها خواهد شد. در توضیح و تفسیر موضوع و رفع ابهامات و شبهه ها، تعریف گونه ای از انقلاب در اسلام ارائه خواهد شد، خصوصیات و شاخص های عمده آن توضیح و تبیین می شود. که در ذیل ارکان و عناصر انقلاب مراحل انقلاب که دقیقاً با مراحل و مراتب " امر به معروف و نهی از منکر " مطابقت و موافقت داشته عنوان شده، بطور فشرده به بحث گذاشته می شود. در فصل سوم، با توجه به دخول مفهومی انقلاب به معنای سیاسی اجتماعی آن در فریضه " امر به معروف و نهی از منکر " به تفصیل شرایط و مراحل و درجات امر و نهی مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت. و در ختام انگیزه های انقلاب و ادله مشروعیت انقلاب اسلام مطرح خواهد شد. مبحث دیگری که جلب توجه می نماید شرایط

انقلاب است که بطور کلی تحت عنوان " ترک معروف " و " فعل منکر " بیان شده است لیکن بحث مفصل و عینی آن فرصت زیادتر و تحقیقات بیشتری را می طلبد که در این رساله مطرح نشده است .

مفاهیم :

عنوان رساله حاوی مفاهیم کلی و فراگیر انقلاب ، اسلام و انقلاب اسلامی است که جهت روشنتر شدن موضوع ودقت بیشتر در تجزیه و تحلیل داده ها ، توضیح مختصر و کوتاهی از چنین مفاهیم لازم و ضروری بنظر میرسد .

انقلاب در لغت : دکتر محمد معین آنرا چنین معنی کرده است :

برگشتن از حالی به حالی ، دیگرگون شدن . ۲- زیر و رو شدن ، واگردیدن برگشتن ۳- برگستگی ، تغییر ۴- شورش و بی آرامی ۵- (سیا) شورش عده ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو . (۱)

و در " فرهنگ علوم سیاسی " چنین می خوانیم که :

در سده هفدهم واژه Revolution (انقلاب) برای نخستین بار بصورت یکی از اصطلاحات سیاسی بکار رفت . و این مضمون استعاره ای یا مجازی بیش از گذشته به مدلول اصلی نزدیک شد . یعنی " گردش به جای اول " و " باز گشت به نظمی که از پیش تعیین شده است " از سال ۱۶۰۰ این اصطلاح به " واژگونی تمام عیار حکومت و یا دولت ، و جایگزینی حاکم و یا دولت جدید از طرق خشونت " اطلاق شده است . ۲ " داریوش آشوری نیز در " فرهنگ سیاسی " آن را چنین توصیف می نماید :

" تحولات ناگهانی و شدیدی که در اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی روی میدهد و یک دولت (با نظام حقوقی و اجتماعی و اقتصادی) مستقر

۱- محمد معین ، " فرهنگ فارسی " ج ۱ ، ص ۳۸۷ .

۲- غلامرضا علی بابائی ، دکتر بهمن آقائی ، " فرهنگ علوم سیاسی "

چاپ اول (تهران : شرکت نشر ویس ۱۳۶۶ ، ج ۳ ، ص ۳۵ .

جای خود را به دیگری می‌دهد. اینگونه تحول غالباً با استعمال زور و خشونت و طغیان مردم است.^۱ استاد مطهری نیز در دیدی سیاسی انقلاب را عبارت از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین، علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب می‌داند.^۲

دکتر دبا و دباوند در تعریف و تبیین این پدیده می‌نویسد: "انقلاب عبارتست از دگرگونیهای فاحش و ناگهانی در نظام سیاسی اجتماعی، اقتصادی فرهنگی جامعه که ممکن است توأم با خشونت و مسالمت باشد. در صورتیکه انقلاب اجتماعی مورد بحث با شرکت گسترده مردم و توأم با خشونت باشد آنرا انقلاب زیرین و درجا شیکه تحولات مزبور تحت هدایت و رهبری خودالیت یا هیئت حاکمه با مسالمت و بدون خونریزی انجام گیرد آنرا انقلاب زیرین می‌نامند."^۳

ناگفته‌نماند که انقلاب به معنای اعم خود شامل هر دگرگونی و تغییر و تحولی در وضع موجود است که ابعاد وسیعی را در بر میگیرد از قبیل انقلاب ادبی، انقلاب بورژوازی، انقلاب کثا و رزی یا انقلاب سبز، انقلاب روستائی، انقلاب عربی، انقلاب مدنی، انقلاب مذهبی، انقلاب مسلسل و... که در اینجا فقط معنای اصطلاحی و سیاسی آن و یا عبارتی "انقلاب کلاسیک" مورد توجه قرار گرفته است. اما راجع به تعریف انقلاب اسلامی باید اذعان داشت که در این خصوص تعاریف مختلفی ذکر شده است اما دقیق‌ترین و جامع‌ترین توصیفی که نگارنده از آن در هر دو مفهوم زیرین و زیرین (انقلاب و اصلاح) با توجه به روح کلی اسلام و امعان نظر در توصیفات و تعاریف سیاسی اجتماعی انقلاب ارائه می‌دهد

-
- ۱- داریوش آشوری، "فرهنگ سیاسی"، چاپ چهاردهم (تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۶۸) ص ۳۷.
 - ۲- آیتا... مرتضی مطهری، "پیرامون انقلاب اسلامی" (تهران: انتشارات صدرا، بی‌تا) ص ۲۱ و ص ۳۰.
 - ۳- دبا و دباوند، تئوری انقلابها و نهضت‌های آزادی بخش، صص ۲۰۱.

اجمالاً و مقدماتاً عبارتست از:

امر به معروف و نهی از منکر که از طرف مردمی آگاه، متحول و شعور یافته، با انتخاب و اختیار بطور همزمان و جمعی در مقابل سلطان و هیئت حاکمه جاثرو متخطی، طی مراحل خاص به منظور تغییر و تحول در ساختها، نهادها، ارگانها و ارزشهای مسلط، و به تعبیر صحیحتر احیاء سنن معارف خدا و رسول و امامان بدعتها، تحریفات و منکرات، تحت رهبری واجد شرایط، که معمولاً خشونت آمیز است صورت میگیرد.

واژه اسلام نیز در این رساله اشارات ذیل دارد:

الف) دیدگاههای اهل سنت راجع به انقلاب، بخصوص مشروعیت و جواز آن، که در همین رابطه ۱- احادیث و روایات وارده صحاح و سنن، ۲- فتاوی رهبران و ائمه و فرق تسنن ۳- آراء و اندیشههای فقهای سیاسی اهل سنت، مطرح و مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

ب) دیدگاههای تشیع در خصوص حق انقلاب و شورش از سوی مردم علیه حکام جور و ظلم که شامل احادیث، روایات، آیات قرآن، سیره تاریخی ائمه و نیز آراء و تفکرات فقهای شیعه می باشد، که طبعاً در استدلالها و براهین از آنها بخصوص آیات قرآن و سیره تاریخی ائمه و سران مذهبی و نیز سنت رسول استفاده و استناد خواهد شد.

سؤال اصلی:

هما نظر که بیان شد غالب مستشرقین و اسلام شناسان غربی و نیز ما رکیستها اسلام را مذهبی مناسب برای توجیه سلطنت زمامداران جاثرو دانسته و آنرا ابزاری و دست آویزی پر قدرت برای مشروعیت بخشیدن به استبداد و خودرانی و ستمگری معرفی نموده اند، بدیهی است، چنین برداشت و تلقی از اسلام که مستشرقین ارائه داده اند مستهدومستند از

اقوال واحادیث صحاح و رهبران اهل سنت مبنی برسکوت برجوری است که درکتب فقهی ، تاریخی ، روائی آنها بجای مانده است با توجه به اظهارات فوق مهمترین و عمده ترین سئوالی که قابل طرح و به ذهن متبادر می شود این است که : آیا از دیدگاه اسلام ، انقلاب به مفهومی سیاسی اجتماعی با توجه به چارچوبهای تئوریکی آن می تواند زبنیان مشروعی برخوردار باشد یا خیر؟ مهمترین ادله مشروعیت و جواز انقلاب چیست؟

سئوالات فرعی :

ی بحث و کاوش پیرامون موضوع رساله و نیز یافتن پاسخی مناسب و فرضیه ای دقیق برای سئوال فوق مستلزم توضیح و تبیین پرسشهایی است که ذیلا عنوان می شود :

- ۱- روند تحولات و سیر تاریخی پدیده انقلاب چگونه بوده است؟
- ۲- آیا مشخصه و یا وجه تمایزهای بین انقلاب با سایر پدیده های خشونت با رسیاسی چون کودتا ، شورش ، آشوب ، مقاومت ، نهضت و یا پدیده مسالمت آمیزی چون اصلاح وجود دارد؟
- ۳- جایگاه انقلاب به مفهوم سیاسی اجتماعی در چارچوب کلی اسلام کجاست؟ و تعریف خاص اسلام از آن چیست؟
- ۴- عناصر و ارکان متمایز انقلاب اسلامی و شاخصهای عمده آن کدامند؟
- ۵- با فرض قبول پدیده انقلاب در اسلام آیا مذهب اسلام با اصلاح تبیین و منافات دارد؟
- ۶- آیا به مجرد خطا و انحراف حاکم ، انقلاب مسلحانه علیه او تجویز خواهد شد و یا مراحل و مراتب خاصی برای آن منظور است؟
- ۷- امر به معروف و نهی از منکر مفهوم کلی است که انقلاب یکی از مصادیق

با رزان است. با چنین فرضی آیا امر به معروف و نهی از منکر مقید به شرایط و درجا رچوب مراحل و مراتبی خاص واقع است؟

۸- استدلالها و براهین اهل سنت مبنی بر تحریم انقلاب چیست؟

۹- ادله مشروعیت انقلاب از دیدگاه شیعه و اقلیت اهل تسنن کدا منسند؟
بدیهی است پاسخ به این سئوالات فرعی کمک شایانی در ایضاح مطلب و ارائه طرحی منسجم می نماید، که نتیجه آن اثبات و یارده فرضیه نخستین خواهد بود.

فرض (ثابت ذهنی) و فرضیه :

حال با فرض اینکه :

۱- انقلاب یکی از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر است که حالت جمعی و همگانی مردم در قیام علیه منکرات حاکم متخطی و مصر بر گناه را نشان می دهد و طبیعتاً چنین پروسه ای موثرترین عامل در کنترل و اصلاح امور و شئون حکومتی و تعدیل خطاها، معاصی، تحریفات زمامداران و احیاء سنتهای الهی و سیره ائمه اطهار خواهد بود.

۲- انقلاب یکی از عوامل موثر و هر مهای قدرتمندی در رشد و توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه در کشور است بطوریکه غالب بحرانها، از قبیل بحران مشروعیت، مشارکت، توزیع و هویت از این طریق مرتفع خواهد شد. همانطور که انقلاب اسلامی ایران در نخستین روزهای پیروزی خود تحولاتی را در این زمینه بوجود آورد.

۳- حکومتها بی بر مبنای دموکراتیک و مردم سالاری استوارند که حق اصلاح و اعتراض برای مردم علیه حاکم طاغی و ستمگر را رسماً و عملاً پذیرفته باشند.